

الدَّرْسُ الثَّانِي: (مَكَّةُ الْمُكْرَمَةُ وَ الْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ)

درس نامه.

أَحْوَال (قيد حالت)

به عبارت های زیر دقت کنید:

۱. رَأَيْتُ طَالِباً مُسْروراً. (دانش آموز خوشحالی را دیدم.)

۲. رَأَيْتُ الطَّالِبَ الْمُسْرورَ. (دانش آموز خوشحال را دیدم.)

۳. رَأَيْتُ الطَّالِبَ مُسْروراً. (دانش آموز را خوشحال دیدم.)

با کمی دقت در می یابیم «مسروراً» و «المسرور» در عبارت های ۱ و ۲ صفت هستند. همانطور که می دانیم در ترکیب های وصفی، (موصوف - صفت) یا هر دو معرفه هستند یا نکره؛ که در جمله اول هر دو نکره و در جمله دوم هر دو معرفه هستند ولی در جمله سوم، «الطالب» معرفه و «مسروراً» نکره است.

■ حال: «اسم نکره» یا «جمله ای» که حالت یکی از نقش های جمله مثل «فاعل، مفعول و...» را هنگام وقوع فعل نشان می دهد، گفته می شود.

مثال: دَهَبَتِ الْبَيْتُ، قَرِحَةً. دختر خوشحال رفت.

همان طور که هر صفتی، موصوفی دارد که آن را وصف می کند، هر حالی (قید حالتی) نیز مرجعی دارد که حالت آن را «هنگام وقوع فعل» نشان می دهد که به آن «مرجع حال» گفته می شود. مرجع حال همیشه یک اسم معرفه است.

وَقَفَّ الْمُهَنْدِسُ الشَّابُّ فِي الْمَصْنَعِ مُتَسِمّاً.

مرجع حال حال

«مهندس جوان با لبخند در کارخانه ایستاد.»

موصوف «معرفه» ← صفت معرفه

موصوف «نکره» ← صفت نکره

مرجع حال «معرفه» ← حال نکره

نکات:

۱: حال جمله اسمیه را حتماً یک «و» ابتدایش همراهی می کند. به این حرف «واو حالیه» گفته می شود.
ضَرَبَ الْمُدْرَسُ لِلتَّلَامِيذِ أَمْثالاً وَ هُوَ وَاقِفٌ أَمَامَ السَّبُورَةِ.

مرجع حال (صاحب حال) حال

۲: به «مرجع حال» در زبان عربی «صاحب حال» گفته می شود.

۳: الف) اگر قید حال؛ حال مفرد (حال اسم) باشد مثل قید حالت زبان فارسی ترجمه می شود.

مثال: وَصَلَ الْمُسَافِرُونَ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ.

حال

مسافران با تأخیر به فرودگاه رسیدند.

ب) در ترجمه جمله حالیه از عبارت «در حالی که - در حالی که» استفاده می کنیم.

مثال: ﴿لَوْ لَا تَهْنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾

جمله حالیه

تسست نشوید و غمگین نشوید در حالی که شما برترید.

انواع حال

۱. اسم: حال اسم (حال مفرد) ویژگی های زیر را دارد:

الف) اسمی نکره است: یعنی باید بدون «ال» باشد؛ گاهی تنوین (ـً) دارد و گاهی هم ندارد.

ب) منصوب است: یعنی انتهایش یکی از علامت های (ـَ / يْنِ / بِنِ / اِنِّ) دارد.

(ج) مشتق است؛ یعنی جز یکی از موارد:

اسم فاعل / اسم مفعول / صفت ساده بر وزن «فَعِيل، فَعِل»
مثال: کریم / شریف / فَرِح است.

مثال بَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ.

مربع هال هال

۲. جمله: فرمول حال جمله:

جمله + جمله اسمیه: و + مبتدا (ضمیر) + خبر (اسم یا فعل)

رَأَيْتُ الطَّالِبَ وَهُوَ جَالِسٌ.

هال

رَأَيْتُ الطَّالِبَ وَهُوَ يَجْلِسُ.

هال

(ج) باید توجه داشته باشیم زمان فعل جمله حالیه را برحسب فعل قبل از آن ترجمه می‌کنیم.

مثال ماضی (فعل اصلی) + مضارع (فعل در جمله حالیه) = ماضی استمراری

رَأَيْتُ الْفَلَّاحَ وَهُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ.

کشاورز را دیدم، در حالی که محصول را جمع می‌کرد.

ماضی (فعل اصلی) + ماضی (فعل در جمله حالیه) = ماضی بعید

جاء الطَّالِبُ وَ قَدْ دَقَّ الْجَرَسُ.

دانش‌آموزان آمدند در حالی که زنگ خورده بود.

جمع های مُکْتَبَر

هَوَاةٌ ← هاوی	علاقه‌مند
صِغَارٌ ← صغیر	کوپک
أَقْدَامٌ ← قَدَمٌ	پا
أَرْجُلٌ ← رِجْلٌ	پا
قِيَمَةٌ ← قِيَمَةٌ	قوله
فَرَائِضٌ ← فَرِيضَةٌ	واهب دینی
قُدَمَاءٌ ← قَدِيمٌ	قدیم
أَيَّامٌ ← يَوْمٌ	روز
مَصَائِبٌ ← مَصِيبَةٌ	سفتی / بلا
خَطَايَاٌ ← خَطِيئَةٌ	گناه / فطا
أَخْطَاءٌ ← خَطَأٌ	اشتباه / فطا
أَعْظَمٌ ← أَعْظَمٌ	بزرگ‌تر
سَادَةٌ ← سَيِّدٌ	آقا
أَقْرَبَاءٌ ← قَرِيبٌ	فویشانو

أَعْضَاءٌ ← عَضْوٌ	عضو
أَمَاكِنٌ ← مَكَانٌ	پا و مکان
أَقْوِيَاءٌ ← قُوَى	نیرومند
دُمُوعٌ ← دَمْعٌ	اشک
حُجَّاجٌ ← حَاجٌ	هاجی
قُرَىٌ ← قَرْيَةٌ	روستا
مَوَاقِفٌ ← مَوْقِفٌ	ایستگاه
أَحِبَّاءٌ ← حَبِيبٌ	دوست
أَسْنَانٌ ← سِنٌّ	دندانی
أَكْتَانٌ ← كِتْفٌ	شانه
أَشْمَاكٌ ← سَمَكَةٌ	ماهی
فَرَائِسٌ ← فَرِيْسَةٌ	شکار
خِيَامٌ ← خَيْمَةٌ	پادر
أَعْيُنٌ ← عَيْنٌ	پشم

کلمه‌های مترادف

زأى (دید)	=	شاهدَد (دید)	=	فانز (پیروز)	=	ناجِح (پیروز)
إِسْتِطَاعَ (توانست)	=	قَدَرَ (توانست)	=	إِطْلَاقَ (پرتاب کردن)	=	رَمْيَ (پرتاب کردن)
جهاز	=	آلة - أداة (وسیله)	=	مَشْهَدَ (صحنه)	=	مَنْظَرَ (صحنه)
أَصْدِقَاءَ (دوستان)	=	أَجْبَاءَ (دوستان)	=	مُزَارِعَ (کشاورز)	=	فَلَّاحَ (کشاورز)
أُسْرَةَ (خانواده)	=	عائلةَ (خانواده)	=	صَيِّدَ (شکار)	=	فَرِيْسَةَ (شکار)
عام (سال)	=	سَنَةَ (سال)	=	مُعْجَبَ (شیفته و دوستدار)	=	مُشْتاقَ (شیفته و دوستدار)
سبيل (راه)	=	طريق (راه)	=	مُتَتَالِيَةَ (پی در پی)	=	مُسْمَرَةَ (پی در پی)
غار (غار)	=	كَهْفَ (غار)	=	فَرِحَ (فوشمال)	=	مَسْرورَ (فوشمال)
حِينَ (هنگامی که)	=	لَمَّا (هنگامی که)	=	لَجَأَ (پناه بُرد)	=	عَادَ (پناه بُرد)
لِمْ (پهرا)	=	لِمَاذَا (پهرا)	=	رَجُلَ (پا)	=	قَدَمَ (پا)
مِهْنَةَ (شغل)	=	جَزْفَةَ (شغل)	=	وَلَدَ (پسر)	=	إِبْنَ (پسر)

کلمه‌های متضاد

أمام (روبرو)	≠	خَلْفَ (وَرَاءَ) (پشت سر)	≠	صَعْبَ (دشوار)	≠	سَهْلَ (آسان)
بكى (گریه کرد)	≠	ضَجِكَ (فندید)	≠	الْيَوْمَ (امروز)	≠	عَدَاً (فردا)
رَكِبَ (سوار شد)	≠	نَزَلَ (پیاره شد)	≠	صُعُودَ (بالا رفتن)	≠	نُزُولَ (پایین آمدن)
مَرَّ (گذشت)	≠	وَقَفَ (ایستاد)	≠	صِغَارَ (کودکان)	≠	كِبَارَ (بزرگان)
مُضِلَّحَ (تعمیر شده)	≠	مُعَطَّلَ (فراپ شده)	≠	ماضی (گذشته)	≠	قَادِمَ (آینده)
تَسَاقَطَ (افتاد)	≠	تَصَاعَدَ (بالا رفت)	≠	نَشِيْطَ (فعال)	≠	كَيْسِلَ (تنبلی)
جَلَسَ (نشست)	≠	قَامَ (ایستاد)	≠	حَتَّى (زنده)	≠	مَيِّتَ (مرده)
أَقْوَبَاءَ (نیرومندان)	≠	صُعْفَاءَ (ناتوانان)	≠	نَوْمَ (خواب)	≠	سَهْرَ (بیداری)
أَعْلَى (بالتر)	≠	أَسْفَلَ (پایین تر)				

عباراتی منتخب از درس دوم

- زأى ذموعهما تتساقط من أعينهما، فسأل متعجباً. اشک‌هایشان را دید که از چشم‌هایشان می‌ریخت، پس با تعجب پرسید.
- سَمَكَةُ السَّهْمِ تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ الْفَرَائِسَ الْحَيَّةَ. ماهی تیرانداز دوست دارد که شکارهای زنده را بخورد.
- كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ. مردم یک امت بودند پس خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده فرستاد.
- عِنْدَمَا تَسْقُطُ الْحَشْرَاتُ عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ تَبْلُغُهَا حَيَّةٌ. هنگامی که حشرات روی سطح آب می‌افتند آن را زنده می‌بلعد.
- حِينَ أَرَى الْحُجَّاجَ تَمَرَّ أَمَامِي ذَكَرْتَانِي. هنگامی که حاجیان را می‌بینم خاطراتم از مقابلم می‌گذرند.
- «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» و سست نشوید و ناراحت نباشید در حالی که شما برتر هستید.

(فرداد ۹۹)

(دی ۹۷)

(شهریور ۹۹)

(شهریور ۱۴۰۱)

(فرداد ۹۸)

(شهریور ۹۸)

(فرداد ۹۹)

(شهریور ۹۹)

(دی ۹۹)

(دی ۹۹)

(دی ۱۴۰۰)

(شهریور ۱۴۰۰)

۷. هُوَاةُ اَسْمَاكِ الرَّيْنَةِ مُعْجِبُونَ بِهَذِهِ السَّمَكَةِ.

علاقه‌مندان ماهی‌های زینتی از این ماهی در شگفت‌اند.

۸. اُولَى آيَاتِ الْقُرْآنِ نَزَلَتْ عَلَى النَّبِيِّ «ص» فِي غَارِ حِرَاءِ.

نخستین آیات قرآن در غار حرا بر پیامبر (ص) نازل شد.

۹. يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ.

تماشاچیان تیم برنده‌شان را با شادی تشویق می‌کنند.

۱۰. إِنَّهَا تُطَلِّقُ قَطْرَاتِ الْمَاءِ مُتَتَالِيَةً مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهَوَاءِ.

او قطره‌های آب را پی در پی از دهانش به هوا رها می‌کند.

۱۱. جَلَسَ اَعْضَاءُ الْاَسْرَةِ اَمَامَ التَّلَافُزِ وَ هُمْ يُشَاهِدُونَ الْحِجَّاجَ فِي الْمَطَارِ.

اعضای خانواده جلو تلویزیون نشستند در حالی که به حاجیان در فرودگاه نگاه می‌کردند.

۱۲. هَلْ رَأَيْتُمَا غَارَ ثَوْرٍ الَّذِي لَجَأَ اِلَيْهِ النَّبِيُّ (ص).

آیا غار ثور را که پیامبر (ص) به آن پناه برد دیدید؟

۱۳. الْغَارُ يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ لَا يَسْتَطِيعُ صَعُودَهُ اِلَّا الْاَقْوِيَاءُ.

غار بالای کوهی بلند واقع است که فقط توانمندان می‌توانند از آن بالا بروند.

آزمون الدرس الثانی

۲۰ نمره

۱	(دی ۱۴۰۰) (فرداد ۹۹) (شهریور ۱۴۰۱) (فرداد ۹۹) (دی ۹۸)	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: الف) تَمَرَّ اَمَامِي ذِكْرِيَاتِي. ب) عِنْدَمَا يَتَاكَّدُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ ج) لَجَأَ اِلَى غَارِ ثَوْرٍ. د) اَلْمَعْمَلُ مَعْطَلٌ الْيَوْمَ.	۱.
۰/۵	(فرداد ۹۹)	السَّلْمُ - الْحَيَاةُ - الْكِسَاءُ - النَّزَاعُ - الصُّعُودُ - الْعَيْشُ الف) (..... =) ب) (..... ≠)	۲.
۰/۲۵	(شهریور ۹۸)	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: الف) الْجَبَلِ ب) اَلْمِلْفِ ج) التَّرَابِ د) الْحَجَرِ	۳.
۰/۲۵		اَكْتُبِ مَفْرَدَ الْكَلِمَةِ التَّالِيَةِ: «الْكِبَارِ»:	۴.
۰/۵	(فرداد ۱۴۰۰)	تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ: ۱) يَا لَيْتَنِي اُذْهَبَ مَرَّةً اُخْرَى اِلَى الْحَجِّ. ۲) إِنَّهَا تُطَلِّقُ قَطْرَاتِ الْمَاءِ مُتَتَالِيَةً مِنْ فَمِهَا اِلَى الْهَوَاءِ. ۳) وَ عِنْدَمَا تَسْقُطُ الْحَشْرَةُ تَبْلُغُهَا حَيَّةٌ. ۴) هُنَاكَ طَائِرٌ يَبْنِي عُنْشَهُ فَوْقَ قِمَّةٍ بَعِيداً عَنِ الْحَيَوَانَاتِ. ۵) مَا اسْتَطَاعَتْ اَلْأُمُّ صُعُودَ الْجَبَلِ لِأَنَّ رِجْلَهَا تَوَلَّمُهَا. ۶) مَا هِيَ ذَكَرِيَا تُكَمَا عَنِ الْحَجِّ؟ اَتَذَكَّرُ خِيَامَ الْحِجَّاجِ. ۷) هَذِهِ السَّمَكَةُ تُدَافِعُ عَنِ صِغَارِهَا عِنْدَ الْخَطَرِ. ۸) كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ. ۹) يَا بَنِيَّ الْغَارِ يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ. ۱۰) يَا اَبْتَهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي اِلَى رَبِّكِ رَا ضِيَّةً مَرْضِيَّةً ۱۱) يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ	۵.
۰/۵	(فرداد ۱۴۰۰)		
۰/۷۵	(دی ۹۹)		
۰/۵	(شهریور ۱۴۰۱)		
۰/۷۵	(شهریور ۱۴۰۱)		
۰/۷۵	(شهریور ۱۴۰۱)		
۰/۷۵	(شهریور ۹۹)		
۰/۷۵	(فرداد ۹۹)		
۰/۷۵	(فرداد ۹۸ - شهریور ۹۹)		
۰/۵	(فرداد ۹۹)		
۱	(دی ۹۹)		
۰/۷۵	(دی ۹۹)		